



افزایش شدت مشاجره‌های خانوادگی با فضای مجازی

ر شرایط کنونی ما از نظر جامعه‌شناسی با پدیده فروپاشی خانواده مواجه شده‌ایم و این وضعیت در حال تشدید شدن است.

در شرایط کنونی ما از نظر جامعه‌شناسی با پدیده فروپاشی خانواده مواجه شده‌ایم و این وضعیت در حال تشدید شدن است. امروز بسیاری از دختران و پسران به صورت جبری ازدواج می‌کنند و در نهایت نیز پس از مدتی زندگی مشترک از یکدیگر جدا می‌شوند. این در حالی است که بهتر است که از ابتدا چنین ازدواج‌هایی صورت نگیرد. از سوی دیگر هدف و انگیزه بسیاری از جوانان روابط زناشویی است و با این هدف با به زندگی مشترک می‌گذارند. این در حالی است که پس از مدتی که نیازهایشان برطرف شد با مشکلات دیگری مواجه می‌شوند که در نهایت به فروپاشی خانواده منجر می‌شود. ازدواج یک پروسه درازمدت روانشناختی و جامعه‌شناختی است و نمی‌توان در کوتاه‌مدت برای آن نسخه پیچید.

جملات بالا سخنان دکتر مصطفی اقلیما جامعه‌شناس برجسته و بنیانگذار مددکاری اجتماعی در ایران در گفت‌وگو با آرمان است.

دکتر اقلیما در این گفت‌وگو به تحلیل جامعه‌شناختی از سه موضوع مهم جامعه یعنی تأثیر فضای مجازی بر زندگی مردم ایران، آسیب‌شناسی خانواده‌های ایرانی و همچنین ریشه‌های قتل سه کودک خردسال (آتنا، ستایش و بنیلا) و بازتاب و پیامدهای آن می‌پردازد. فارغ‌التحصیل دانشگاه سوربن پاریس معتقد است: در شرایط کنونی فضای مجازی به یکی از کانون‌های مناقشات خانوادگی تبدیل شده و منشأ بسیاری از مشاجرات بین زن و شوهر است. برخی از افراد تا ساعت‌های پایانی شب سرگرم فضای مجازی هستند و به همین دلیل از ایجاد صمیمیت و محبت در فضای منزل غافل می‌شوند. به همین دلیل نیز این گونه رفتار با واکنش اعضای خانواده و به‌خصوص همسران مواجه شده و فضای خانواده را مکرر و غبارآلود می‌کند. در ادامه متن گفت‌وگوی آرمان را با مصطفی اقلیما می‌خوانید.

فضای مجازی چه تأثیری بر جامعه و خانواده‌های ایرانی گذاشته است؟ استفاده از فضای مجازی در خانواده‌های ایرانی به صورت آگاهانه و ارادی صورت می‌گیرد یا غیر ارادی و نا آگاهانه؟

فضای مجازی یک پدیده جدید اجتماعی و فرهنگی است که در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف جهان به وجود آمده و خیلی زود نیز فراگیر شده است. با این همه، فضای مجازی به دلیل مسائل فرهنگی و سیاسی امکان تطبیق بیشتری با سبک زندگی کشورهای غربی داشته است. این در حالی است که این وضعیت در ایران وجود نداشته و جامعه ما به هیچ‌عنوان آمادگی حضور فضای مجازی را نداشته و زمینه‌های آن در ایران مهیا نبوده است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای فضای مجازی در ایران ارتباط دو جنس مخالف با هم بوده است. در گذشته حضور یک دختر و پسر نامحرم در خیابان در کنار یکدیگر یک امر مذموم و سوال برانگیز تلقی می‌شد و با هزینه‌های اجتماعی و خانوادگی همراه بود. با این همه، پس از حضور فضای مجازی در ایران به دلیل نبودن اهرم‌های فشار دو جنس مخالف بدون هیچ‌هزینه و دردسری با هم ارتباط برقرار می‌کنند و به هر شکل که تمایل داشته باشند با هم صحبت می‌کنند و عکس و فیلم ردوبدل می‌کنند. در نتیجه فضای مجازی این فرصت را به دختران و پسران جامعه داده که با فراغت بال و دردسر کمتری به دغدغه‌های خود بپردازند. به همین دلیل نیز فضای مجازی در بین جوانان جامعه گسترش زیادی پیدا کرده و به یکی از ابزارهای اصلی زندگی آنها تبدیل شده است. در نتیجه فضای مجازی بالذاته بد و باطل نیست، بلکه قوانین اجتماعی ما دارای اشکال بوده که دغدغه‌های جوانان جامعه را مرتفع نمی‌کرده است. در نتیجه جوانان با اولین فرصت ممکن در زندگی خود تغییر رویه دادند و برای برطرف کردن دغدغه‌های خود به فضای مجازی پناه برده‌اند. از سوی دیگر فضای مجازی در دستور کار دولت‌ها قرار داشته و دولت‌ها از فضای مجازی استفاده اقتصادی می‌کرده‌اند.

نگاه مردم جوامع دیگر به فضای مجازی چگونه است؟ آیا فضای مجازی در کشورهای مختلف کارکرد متفاوتی پیدا کرده است؟

هر کشوری با توجه به فرهنگ و روابط اجتماعی از فضای مجازی استفاده می‌کند. برای مثال در کشور آمریکا

مردم خیلی کم از فضای مجازی استفاده می‌کنند و فضای مجازی به یکی از ابزارهای مهم زندگی آنها تبدیل نشده است. این در حالی است که در ایران فضای مجازی در بین همه اقشار جامعه رسوخ کرده و از کارگر تا شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی همگی به فضای مجازی وابسته شده است. دلیل این مساله نیز این است که فشارها و مشکلات زندگی باعث شده که فضای مجازی به همه زندگی مردم ایران تبدیل شود و مردم با استفاده از فضای مجازی تاحدودی مشکلات خود را فراموش می‌کنند. از سوی دیگر در شرایط کنونی فضای مجازی به یکی از کانون‌های مناقشات خانوادگی تبدیل شده و منشأ بسیاری از مشاجرات بین زن و شوهر است. برخی از افراد تا ساعت‌های پایانی شب سرگرم فضای مجازی هستند و به همین دلیل از ایجاد صمیمیت و محبت در فضای منزل غافل می‌شوند. به همین دلیل نیز این گونه رفتار با واکنش اعضای خانواده و به‌خصوص همسران مواجه شده و فضای خانواده را مکدر و غبارآلود می‌کند. در شرایطی ما می‌توانیم به مردم بگوییم که از فضای مجازی فاصله بگیرند که شرایط زندگی بهتر را برای آنها فراهم کنیم و اجازه بدهیم مردم دغدغه‌های خود را به صورت شفاف و صریح بیان کنند.

نکته جالب این است که کسانی که نسبت به رویکرد فضای مجازی در جامعه انتقاد می‌کنند نیز به شکل‌های مختلف از فضای مجازی استفاده می‌کنند. دلیل این مساله این است که فضای مجازی نوعی آزادی مجازی برای مردم ایران به وجود آورده که به واسطه آن می‌توانند دغدغه‌ها و سلاقی خود را در زمینه‌های مختلف مطرح کنند و به واسطه آن پاسخ مناسبی دریافت کنند. فضای مجازی فی‌الفسه نیست بلکه می‌تواند کارکرد مفیدی در فرایند جامعه داشته باشد. با این همه، ما باید در مرحله نخست این مساله را روشن کنیم که آیا رویکرد جامعه ما با فضای مجازی همخوانی دارد و یا خیر؟ آیا زمینه‌های ورود فضای مجازی به کشور ما وجود دارد؟ وجود فضای مجازی در زندگی شهروندان ایرانی چه چالش‌ها و فرصت‌هایی ایجاد می‌کند؟ در مرحله نخست ما باید به این سوالات پاسخ مناسب و علمی بدهیم و در مرحله بعد به فکر آسیب شناسی استفاده مردم از فضای مجازی باشیم. این در حالی است که برخی رویکردها در جامعه ما همخوانی ندارد. برای مثال ماهواره در ایران ممنوع اعلام شده است. با این همه، دولت روز به روز سرعت و حجم اینترنت بهتری به شهروندان ارائه می‌کند و شهروندان به واسطه اینترنت امکان بهتری برای دیدن برنامه‌های ماهواره و حتی نامناسب‌تر از آن را پیدا می‌کنند. در نتیجه در برخی تصمیم‌گیری‌ها مناقشه‌های فاحشی در بین تصمیم‌گیرندگان جامعه وجود دارد.

تربیت و رسانه‌های رسمی چه نقشی در علاقه مردم به فضای مجازی داشته‌اند؟

در گذشته مردم به دلیل اینکه حق انتخاب دیگری نداشتند مجبور بودند برنامه‌های صداوسیما را تماشا کنند و به همین دلیل نیز صداوسیما به هر شکل که تمایل داشت به افکار عمومی جهت می‌داد. این در حالی است که امروز با وجود رسانه‌های مختلف که تفکرات متفاوتی دارند و دیدگاه‌های فکری مختلف را در جامعه نمایندگی می‌کنند حق انتخاب برای مردم ایجاد شده است. امروز هر فرد بر اساس علاقی و سلاقی خود به رسانه و یا شبکه دلخواه خود دسترسی پیدا می‌کند و کسی نمی‌تواند یک نوع تفکر خاص را به وی دیکته کند. در نتیجه در شرایط کنونی ما با شهروند انتخاب‌گر مواجه شده‌ایم. با این همه، در شرایط کنونی جامعه نیاز به آموزش دارد که از امکانات و رسانه‌های موجود به چه شکلی استفاده کند. اگر به جامعه آموزش مناسب برای استفاده از فضای مجازی و به صورت کلی رسانه‌ها داده نشود باید منتظر پیامدهای ناگوار آن در آینده نزدیک باشیم.

در شرایط کنونی خانواده‌های ایرانی از چه جنبه‌هایی تهدید می‌شوند؟ چرا میزان طلاق‌های رسمی و عاطفی در جامعه افزایش پیدا کرده است؟

بنده باید به صراحت عنوان کنم که در شرایط کنونی ما از نظر جامعه‌شناسی با پدیده فروپاشی خانواده مواجه شده‌ایم و این وضعیت در حال تشدید شدن است. امروز بسیاری از دختران و پسران به صورت جبری ازدواج می‌کنند و در نهایت نیز پس از مدتی زندگی مشترک از یکدیگر جدا می‌شوند. این در حالی است که بهتر است که از ابتدا چنین ازدواج‌هایی صورت نگیرد. امروز اگر از یک پسر سوال کنید که با برخی مشکلات همسر خود با چه شیوه‌ای برخورد می‌کنید؛ در پاسخ عنوان می‌کند تلاش می‌کنم مشکلات پیش رو را حل کنم اما اگر موفق نشدم طلاق می‌گیرم. این وضعیت درباره دختران نیز وجود دارد و دختران نیز در پاسخ به این سوال همین پاسخ را مطرح می‌کنند. در نتیجه هدف جوانان حفظ، تعمیق و تحکیم روابط و چارچوب‌های خانواده نیست. از سوی دیگر هدف و انگیزه بسیاری از جوانان روابط زناشویی است و با این هدف با زندگی مشترک می‌گذارند. این در حالی است که پس از مدتی که نیازهایشان برطرف شد با مشکلات دیگری

مواجه می‌شوند که در نهایت به فروپاشی خانواده منجر می‌شود. ازدواج یک پروسه درازمدت روانشناختی و جامعه‌شناختی است و نمی‌توان در کوتاه‌مدت برای آن نسخه پیچید.

از سوی دیگر مشکلات زندگی به‌اندازه‌ای برای همسران خانواده ایجاد مشغله و دغدغه می‌کند که فرصت حضور در فضای محبت‌آمیز خانواده کمتر مهیا می‌شود. این وضعیت به‌خصوص برای پدران خانواده بیشتر وجود دارد. اغلب پدران خانواده در طول شبانه‌روز در منزل نیستند و در پی تأمین مخارج زندگی خانواده خود هستند. به همین دلیل نیز ارتباط کمتری با همسر و فرزندان خود برقرار می‌کنند که این مساله در سرد شدن روابط بین اعضای خانواده تأثیر منفی می‌گذارد.

نکته دیگر اینکه ازدواج در ایران به یک نوع محاسبه‌گری تبدیل شده است. بسیاری از دختران و پسران هنگامی که قصد دارند ازدواج کنند به وضعیت مالی طرف مقابل و خانواده‌اش فکر می‌کنند و با توجه به وضعیت مالی آنها مطالبات خود را تنظیم می‌کنند. در نتیجه بسیاری از ازدواج‌ها به دلیل نداشتن افق‌های اقتصادی روشن کنسل می‌شود و طرفین به دنبال گزینه‌هایی با شرایط بهتر می‌گردند. این در حالی است که خانواده جای حساس‌گری نیست بلکه جای تفاهم، محبت و عشق و عاطفه است. از سوی دیگر بر اساس تحقیقات ما در سازمان مددکاری اجتماعی در حدود 80 درصد خانواده‌های ایرانی دچار طلاق عاطفی هستند که این آمار روز به روز در حال افزایش است. امروز بسیاری از دیالوگ‌های مطرح شده در بین همسران جامعه به مسائل اقتصادی و روزمره زندگی اختصاص دارد و روابط عاطفی بین زوجین عمق و محتوای خود را از دست داده است. برای بسیاری از زنان و مردان جامعه همسر خوب کسی است که آرامش طرف مقابل را به هم نزند. با این همه، هر کدام از زوجین با اینکه در کنار هم زندگی می‌کنند هیچ‌احساس تعلق و وابستگی نسبت به یکدیگر ندارند و هر کدام به تنهایی دغدغه‌های عاطفی و روانی خود را مرتفع می‌کنند.

ارزیابی شما از ریشه‌های جامعه‌شناختی قتل سه کودک خردسال (ستایش، آتنا و بنیتا) و بازتاب آن در فضای عمومی جامعه و همچنین فضای مجازی چیست؟ چرا این جنایت‌ها خیلی زود وجهه ملی و عمومی به خود گرفتند و به یک داغ ملی تبدیل شدند؟

من در ابتدا درباره قتل آتنا دختر خردسال اردبیلی صحبت می‌کنم. به نظر من سیستم و ساختارهای فکری جامعه دارای اشکال بوده که چنین جنایتی به وجود آمده است. در نتیجه قاتل محصول سیستم اجتماعی جامعه است. این در حالی است که قاتل در یک لحظه وسوسه شده و پس از تجاوز دختر خردسال را به قتل رسانده است. در مرحله نخست ما باید این سوال را از خود بپرسیم که چه رفتارهایی در جامعه ما وجود دارد که یک فرد متأهل با دیدن یک کودک خردسال تحریک جنسی شده است. کدام سازوکار اجتماعی ما دارای مشکل بوده که چنین اتفاقی در یک فرد رخ داده است. در قتل آتنا و ستایش هر دو قاتل دچار جنون آنی و لحظه‌ای شده‌اند و مرتکب قتل شده‌اند. در کشورهای غربی مجازات جنون آنی اعدام نیست و کارشناسان در این جوامع بر این باورند که جنون آنی به صورت دفعی و لحظه‌ای صورت می‌گیرد و پس از مدت کوتاهی نیز از بین می‌رود. حتی برخی از روانشناسان معتقدند که اگر در همان لحظه تلفن همراه یا منزل فرد زنگ بخورد به دلیل گمراه شدن افکار فرد احتمال کاهش جنون آنی افزایش پیدا می‌کند و فرد ممکن است از ارتکاب به جنایت پشیمان شود. نگاه جوامع مختلف به این گونه افراد به عنوان یک فرد روانی موقت است که باید تحت درمان قرار بگیرد. البته این وضعیت درباره افرادی که در گذشته سابقه داشته‌اند و جنایت‌های دیگری نیز مرتکب شده‌اند وجود ندارد و این افراد قاتل به شمار می‌آیند و بر اساس قانون هر جامعه‌ای با آنها به عنوان قاتل رفتار می‌شود. نکته مهم دیگری که در قتل آتنا و ستایش وجود دارد این است که قاتل پس از تجاوز به دلیل ترس از بی‌آبرویی و مجازات اعدام کودکان خردسال را به قتل رسانده. در نتیجه این مساله نیز دارای یک پروسه روانشناختی است. هنگامی که با اعدام افراد در ملأ عام در افکار عمومی ترس و وحشت از ارتکاب جرم و جنایت ایجاد می‌کنیم چنین نتایجی نیز به بار خواهد آورد. در نتیجه باید به این گونه مسائل به صورت ریشه‌ای و عمیق نگاه کنیم و با آسیب‌شناسی به سمت ترمیم این آسیب‌های اجتماعی گام برداریم. در هر دو مورد، قتل به دلیل ترس از مجازات صورت گرفته است. در نتیجه اگر چنین ترس کاذبی در جامعه وجود نداشت، فرد تجاوز می‌کننده تنها به اقدام اولیه بسنده می‌کرد و از ارتکاب به قتل خودداری می‌کرد. ما باید به صورت علمی و منطقی به این مسائل نگاه کنیم و از نگاه سلیقه‌ای و شتابزده پرهیز کنیم.